



Volume 1, Issue 1, 2023

A View to the Crime of Extermination in International Criminal Law

Maryam Shiriyan Nasl^{*1}

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 19-29

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-8348-0318

TELL: +984137412405

Email: maryam.shiriyan@yahoo.com

Article history:

Received: 23 Dec 2022

Revised: 11 Feb 2023

Accepted: 18 Feb 2023

Published online: 21 Mar 2023

Keywords:

*Extermination,
Crime against Humanity,
Rome Statute.*

ABSTRACT

So far, the international community has identified and criminalized four crimes as international crimes. One of these crimes related to the field of international criminal law is crimes against humanity committed in the context of a widespread or organized attack by a government or group against a civilian population. One of the examples of these crimes is destruction or eradication. In this research, the crime of extermination in international criminal law was investigated with descriptive analytical method and library information collection. The result of the research shows that the crime of Extermination is one of the most common and oldest international crimes that has occurred many times throughout the history of mankind and is one of the international crimes with customary characteristics that, as one of the examples of crimes against humanity, is dealt with under the jurisdiction of the International Court of Justice. It has been criminalized internationally and its concept and criminalization is derived from the crime of genocide. In the end, it was concluded that this crime, unlike genocide, does not require specific malice against national, religious, ethnic and racial groups. The mentioned crime can be realized in international armed conflicts.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Shirian Nasl, M (2023). "A View to the Crime of Extermination in International Criminal Law". *Journal of International Criminal Law*, 1(1): 19-29.



دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

تأملی بر جنایت نابودسازی در حقوق کیفری بین الملل

مریم شیریان نسل*

۱. استادیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

جامعه بین‌المللی تاکنون چهار جرم را به‌عنوان جنایات بین‌المللی شناسایی و جرم‌انگاری نموده است. یکی از این جنایات که مربوط به حوزه حقوق بین‌المللی کیفری می‌باشد، جنایات علیه بشریت است که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته از سوی یک دولت یا گروه نسبت به یک جمعیت غیر نظامی ارتکاب می‌یابد. یکی از مصادیق این جنایات، نابودسازی یا ریشه‌کنی است. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای به بررسی جنایت نابودسازی در حقوق کیفری بین‌الملل پرداخته شد. ماحصل پژوهش اینکه جنایت نابودسازی از متداول‌ترین و قدیمی‌ترین جنایات بین‌المللی است که بارها در طول تاریخ بشر به وقوع پیوسته و از جنایات بین‌المللی با ویژگی عرفی می‌باشد که به‌عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری قرار گرفته است و مفهوم و جرم‌انگاری آن، از جنایت نسل‌زدایی أخذ گردیده است. در انتها این نتیجه حاصل گشت که این جنایت برخلاف نسل‌زدایی، مستلزم وجود سوءنیت خاص علیه گروه‌های ملی و مذهبی و قومی و نژادی نیست. جنایت یاد شده در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی قابل تحقق است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹-۲۹

اطلاعات نویسنده مسئول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۱-۸۳۴۸-۰۳۱۸

تلفن: +۹۸۴۱۳۷۴۱۳۴۰۵

ایمیل: maryam.shiriyani@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

نابودسازی، جنایت علیه بشریت، اساسنامه رم.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

فارسی در زمینه جنایات بین‌المللی، می‌توان مدعی بود در منابع فارسی تحقیق جامع و مانعی در خصوص جنایت نابودسازی صورت نگرفته است.

جنایت نابودسازی به‌عنوان یکی از مصادیق مهم جنایت علیه بشریت، از جمله موارد موضوع صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری است که هر دولتی را ملزم می‌دارد تا جنبه‌های مختلف این جنایت را مورد کاوش قرار دهند و بنابر امکانات و موقعیت حقوقی، سیاسی و فرهنگی خود تصمیم درست را در ارتباط با این پدیده اتخاذ نمایند. به عبارت دیگر، شناسایی و بررسی ابعاد حقوقی جنایت نابودسازی، مستلزم اشراف بیشتر بر جنایت مزبور و اجزاء سازنده آن است. از این‌رو، ضرورت تحقیق و بررسی پیرامون آن بدیهی به نظر می‌آید. از این‌رو، در مقاله حاضر در پی پاسخ به سؤال‌های ذیل هستیم:

– ارکان سازنده‌ی جنایت نابودسازی کدام‌ها هستند؟

– جنایت نابودسازی در رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی را چگونه می‌توان توضیح داد؟

در این مقاله به ترتیب مفهوم‌شناسی جنایت نابودسازی، ارکان تشکیل دهنده این جنایت و نیز جنایت مزبور در رویه محاکم کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- مفهوم‌شناسی

در این قسمت برای نیل به یک جمع‌بندی حول جنایات بین‌المللی، در خصوص جنایت نابودسازی که جزئی از جنایت علیه بشریت می‌باشد، به تبیین هر کدام از این جنایات و نیز، تمیز جنایت نابودسازی و جنایت مشابه آن در حقوق کیفری بین‌الملل می‌پردازیم.

۱-۱- جنایت علیه بشریت

جنایت علیه بشریت از جنایات بسیار قدیمی و در عین حال بسیار مهم و شنیعی است که با توجه به سابقه تاریخی آن آثار و آسیب‌های فراوانی در وجدان بشریت ایجاد کرده و از این‌رو، به‌عنوان جنایات بین‌المللی جرم‌انگاری گردیده است. اصطلاح جنایت علیه بشریت که کاربرد آن سابقه طولانی بالغ بر صدها سال دارد، در شکل امروزی آن برای اولین بار در سال ۱۹۱۵ مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۹۱۵ سه

جنایات بین‌المللی جنایاتی هستند که در آن به ارزش‌های انسانی تجاوز و تعدی صورت می‌گیرد و نتیجه آن بر هم خوردن صلح و آرامش حاکم بر بشریت در جامعه بین‌المللی است که این، وجدان بشر را مکدر می‌سازد. از این‌رو اهتمامی در سطح بین‌الملل به‌وجود آمده برای پیشگیری از چنین اوضاعی از طریق جرم‌انگاری مهم‌ترین جنایاتی که این ویژگی را دارند به‌عنوان جنایات بین‌المللی. جنایات مزبور شامل دو گروه جنایات بین‌المللی با ویژگی عرفی و جنایات بین‌المللی با ویژگی قراردادی می‌شوند. جامعه بین‌المللی تا لحظه نگارش این مقاله، چهار جنایت را تحت عنوان جنایات بین‌المللی شناسایی و اقدام به جرم‌انگاری آن‌ها نموده است. این چهار جنایت که در گروه جنایات بین‌المللی با ویژگی عرفی قرار می‌گیرند و در ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی از آن‌ها یاد شده عبارتند از تجاوز ارضی، نسل‌زدایی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت.

هر کدام از جنایات بین‌المللی که در ماده ۵ اساسنامه دیوان از آن‌ها یاد شده، دارای مصادیق متعددی است که در صورت ارتکاب یکی از آن‌ها، مرتکب قابل محاکمه در دادگاه‌های بین‌المللی (در اینجا دادگاه کیفری بین‌المللی) می‌باشد. جنایت علیه بشریت از مهم‌ترین جنایات فوق است که به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی در ماده ۷ اساسنامه دادگاه جرم‌انگاری گردیده و رسیدگی به آن در صلاحیت مرجع یاد شده قرار گرفته است. در ماده مذکور اعمال متعددی ذکر گردیده که ارتکاب آن‌ها مصداق جنایت علیه بشریت می‌باشد؛ و یکی از اعمال یاد شده، جنایت نابودسازی یا قلع و قمع است که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد.

بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که علی‌رغم آن که مقالات متعددی تحت عناوین مختلف به بررسی جنایات بین‌المللی پرداخته‌اند، از جمله مقالات متعدد که به بررسی جنایت علیه بشریت و نیز جنایت نسل‌زدایی در آن پرداخته شده؛ جنایت نابودسازی به‌عنوان مصداقی از جنایت علیه بشریت مورد غفلت قرار گرفته و به‌صورت مستقل به آن پرداخته نشده است. علی‌هذا، باتوجه به منابع

بشریت در اسناد قبلی، اهتمام بر این داشته تا یک تعریف نسبتاً جامع و مانع و قابل قبول از جنایت علیه بشریت ارائه دهد. برای آن که جنایت علیه بشریت محقق شود شروطی مورد نیاز است؛ و شرط اول این است که یک حمله رخ دهد؛ حمله‌ای که جدا و مستقل از جنگ مسلحانه تعریف شود. این حمله ممکن است یک بخش از جنگ مسلحانه باشد اما الزاماً به این مفهوم نیست. (Human Right, 2006: 196)

بعد از جنگ جهانی دوم جرایم یاد شده در ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ به‌عنوان یکی از سه دسته جنایات قابل تعقیب، تعریف شدند. تعریف مزبور ضمن تغییراتی در ماده ۵ اساسنامه توکیو و ماده ۲ قانون دهم شورای کنترل متفقین به کار رفت. همچنین در اساسنامه‌های دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۳ و دیوان بین‌المللی کیفری رواندا در سال ۱۹۹۴ به جنایت علیه بشریت پرداخته و این جنایت در این اساسنامه‌ها نیز تعریف شد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸: ۱۰۲) نکته‌ای که مناسب است این‌جا مورد توجه قرار بگیرد این است که در دادگاه نورنبرگ جنایت نسل‌زدایی ذیل جنایت علیه بشریت و به‌عنوان بخشی از آن در نظر گرفته می‌شد، ولی در اساسنامه روم نسل‌زدایی به‌عنوان جنایتی مستقل از جنایت علیه بشریت جدا گردید. (May, 2005: 6) النهایه اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به تعریف جنایت علیه بشریت پرداخت. از ویژگی‌های تعریف این جنایت در اساسنامه دادگاه این است که هیچ گونه ارتباطی با مخاصمات نظامی یا اثبات انگیزه تبعیض‌آمیز در آن لازم شمرده نشده است. منظور از جنایات علیه بشریت که در ماده ۷ اساسنامه مزبور آمده است، هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، آنگاه که در چارچوب یک حمله گسترده و سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن، حمله ارتکاب یابد:

- قتل عمد؛
- نابودسازی؛
- برده‌گیری؛
- اخراج یا انتقال اجباری جمعیت؛

قدرت بزرگ آن روز یعنی انگلستان، روسیه و فرانسه، در یک اعلامیه مشترک قتل عام ارامنه در ترکیه را جنایت علیه بشریت نامیدند و مرتکبان آن را تحت عنوان این جنایت مسؤول قلمداد نمودند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸: ۱۰۲) در اسناد متعددی به تعریف این جنایت پرداخته شده است. از مهم‌ترین اسنادی که در آن به تعریف جنایت علیه بشریت پرداخته شده، می‌توان به اساسنامه دادگاه نورنبرگ، اساسنامه دادگاه توکیو، قانون شماره ۱۰ شورای کنترل، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا (ماده ۳)، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ماده ۵) و پیش‌نویس ۱۹۹۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد قواعد مربوط به جنایات بر ضد صلح و امنیت بشری (ماده ۱۸) اشاره نمود. دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ برای محاکمه سران کشورهای متحدین تشکیل شد. این دو دادگاه برای رسیدگی به جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت علیه صلح تأسیس شدند. (Faustin, 2007: 266)

در حقیقت جنایت علیه بشریت برای اولین بار در همین اساسنامه دادگاه نورنبرگ تبیین و در قالب یک سند بین‌المللی تعریف شد. مصادیق جنایت علیه بشریت در این سند عبارت بودند از قتل عمدی، نابودسازی یا ریشه‌کنی، به بردگی گرفتن، تبعید، و یا هر عمل غیر انسانی دیگری که علیه مردم غیر نظامی قبل از جنگ یا در حین جنگ ارتکاب یافته باشد و یا تعقیب و آزار افراد به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی را شامل می‌شد. سند بعدی که به تعریف جنایت علیه بشریت در آن اشاره گردیده است، قانون شماره ۱۰ شورای کنترل بود. در این قانون که در سال ۱۹۴۵ جنایت علیه بشریت در آن مورد اشاره قرار گرفت، مصادیق افزایش یافت و از این‌رو، شاهد تکامل بیشتر در این قانون نسبت به موارد قبلی هستیم. همین روند تکامل را در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مثل دادگاه یوگسلاوی و دیوان بین‌المللی کیفری رواندا نیز شاهد بودیم تا این که اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی^۱ با توجه و در نظر گرفتن تعریف جنایت علیه

^۱ - ICC

این عنوان بر آن عمل صدق می‌کند. جنایت نابودسازی در بند ب ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به‌عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت ذکر گردیده است. همچنین در اساسنامه دادگاه نورنبرگ نیز این جنایت در بند ج ماده ۶ شق ج بند اول ماده ۱۱ قانون شماره شورای کنترل، بند ج ماده ۵ اساسنامه دادگاه توکیو، بند ب ماده ۵ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و بند ب ماده ۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا به این جنایت اختصاص یافته‌اند و آن را در گروه جنایات علیه بشریت قرار داده‌اند. بند دوم ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری که به بیان جنایت نابودسازی پرداخته، از جنایت نسل‌زدایی به عاریه گرفته شده است. نسل‌زدایی یا Genocide برگرفته از ترکیب دو عبارت یونانی Genos که به معنای نژاد، گروه انسانی و Caedere به معنای از بین بردن، نابود ساختن و کشتن است. نسل‌زدایی در اساسنامه محکمه نظامی نورنبرگ برای محاکمه جنایتکاران جنگی دول محور، یک جرم علیه بشریت محسوب شده است. لمکین، نسل‌کشی را به (نابودی یک گروه ملی یا قومی) تعبیر می‌کرد که نه تنها از طریق کشتار جمعی بلکه از طریق طرحی هماهنگ از اعمال گوناگون به‌منظور نابود کردن پایه‌های اساسی حیات یک گروه ملی با هدف نابودی خود گروه صورت می‌گیرد. (عزیزی، ۱۳۸۶: ۲۳۸)

به موجب شق ب بند دوم ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، نابودی شامل تحمیل عامدانه شرایطی بر حیات افراد مانند محرومیت از دسترسی به غذا و دارو است که انهدام بخشی از یک جمعیت به حساب می‌آید. (Prosecutor, 200: 219) مطابق این اسناد عناصر تشکیل دهنده جنایات در مقایسه با شق ب بند دوم ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری از نقطه‌نظر عینی، تحقق جنایت نابودسازی مستلزم آن است که مرتکب این جنایت موجب مرگ یک یا چند نفر شود. در جریان بحث بر سر عناصر تشکیل دهنده جنایات، این دیدگاه بسیار مورد مجادله واقع شده است. (Roy & Lee, 1999: 99)

- حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید دیگر از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل ایجاد شود؛

- شکنجه؛

- تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با این موارد؛

- آزار مداوم هرگونه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی به معنای مذکور در بند ۳ یا بر اساس سایر معیارهایی که بالاتفاق در حقوق بین‌الملل غیر مجاز شناخته شده است در ارتباط با هر عملی که در این بند به آن اشاره شده یا هر جرمی که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه است؛

- ناپدید کردن اجباری اشخاص؛

- تبعیض نژادی؛ و

- اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جسمی یا روحی صورت پذیرد.

۱-۲- نابودسازی

نابودسازی^۱ یا قلع و قمع یا ریشه‌کنی فعلی را تبیین می‌کند که مرتکب آن با نیت از بین بردن یک گروه خاص به ارتکاب آن فعل می‌پردازد. در این جا الزامی وجود ندارد که نتیجه حاصل از این عمل متوجه کل جمعیت باشد، بلکه در حالتی هم که این عمل با نیت نابودسازی و قلع و قمع صورت گیرد، حتی اگر به هر دلیل دامنه آن محدود باشد و صرفاً متوجه تعدادی از افراد گروه یا جمعیت شود، در این حال هم عمل ارتكابی از خصوصیات جنایت نابودسازی برخوردار بوده و از مصادیق جنایت علیه بشریت است.

همچنین اطلاق عنوان نابودسازی تلازمی با این ندارد که نتیجه آن به‌صورت آنی رخ نشان دهد و قلع و قمع یک گروه یا تعدادی از افراد آن را در پی داشته باشد. بلکه حتی در حالتی هم که نتیجه آن موکول به دراز مدت هم بشود، باز

^۱. Extermination

جنایت نابودسازی تلقی کرد و مرگ عده‌ای قلیل از لحاظ عددی نمی‌تواند جواز تلقی کردن جنایت نابودسازی باشد. (Prosecutor v. Krstic, 2002: 216) دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی از یک طرف شروط مورد نیاز حقوق عرفی جنایت نابودسازی را سخت‌تر کرده است و از سوی دیگر بر این اعتقاد است که باید خود مرتکب را به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم، مسؤول کشتن شمار زیادی از مردم دانست. (Prosecutor v. Krstic, 2001: 503) دیوان بین‌المللی کیفری رواندا نیز اکنون از طرفداران و موافق دیدگاه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی در این زمینه می‌باشد. (Salgado, 2003: 321)

ماده ۳ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری به عنصر روانی جنایت نابودسازی و تبیین آن می‌پردازد. به موجب شق ب بند دوم ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی تحمیل شرایط کشته باید عامدانه باشد و این همان شرط کلی عنصر روانی است. به عبارت دیگر مرتکب برای تحقق جنایت نابودسازی باید اطلاع داشته باشد که فعل او قسمت یا جزئی از یک کشتار گسترده یا وسیع است. (Prosecutor v. Semanza, 2003: 340) علاوه بر این اقدام یاد شده باید بخشی از نابودی یک جمعیت محسوب شود؛ یعنی هدف متوجه یک جمعیت باشد که مرتکب بخشی از آن را نابود می‌سازد. اصطلاح «محسوب شود» در اینجا گاهی به‌طور شخصی به‌عنوان هدف مرتکب به‌منظور از بین بردن کل یا قسمتی از یک جمعیت تفسیر شده است. (Prosecutor v. Kayishena and Ruzindana, 199: 144) علی‌رغم گفته‌های پیشین، در متن اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری مستندی که به استنادش بتوان آن را با قصد و نیت مرتکب مرتبط دانست وجود ندارد. برخی عنوان نابودی را شامل گروه‌های تروریستی که به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان یافته، دست به نابود کردن اشخاص به‌منظور اشاعه ترور و وحشت می‌زنند، دانسته‌اند. شاید بر همین مبنا، خانم مری رایینسون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را جنایت علیه بشریت تلقی می‌کند. (Casasse, 2003: 35)

علاوه بر آن چه گفته شد مطابق اسناد تشکیل دهنده عناصر جنایات، کشتارهای مزبور لزوماً باید بخشی از یک کشتار وسیع و گسترده باشد. محتوای سند عناصر تشکیل دهنده جنایات، تا حد قابل توجهی بر رویه قضائی دیوان بین‌المللی کیفری رواندا تکیه کرده است. (Fischer, et al, 2001: 59) جنایت نابودسازی یا ریشه‌کنی به این ترتیب شامل هر موردی است که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم باعث مرگ افراد می‌گردد. (Prosecutor, 200: 219)

فراهم کردن عواملی که به‌طور غیر مستقیم موجب مرگ می‌شوند (مانند از بین بردن آذوقه و مواد غذایی) در دیوان بین‌المللی کیفری رواندا به‌عنوان تحمیل کردن شرایطی برای حیات توصیف شده است که انهدام بخشی از یک جمعیت محسوب می‌شود. (Prosecutor, 200: 219) دیوان بین‌المللی کیفری رواندا از عواملی که وجود آن‌ها موجبات مرگ را فراهم و به شکل غیر مستقیم به مرگ افراد منجر می‌شود یاد می‌کند. مانند زندانی کردن گروه زیادی از مردم به همراه محروم ساختن آن‌ها از ضروریات زندگی (مثل آب و غذا) یا مبتلا کردن آن اعضای آن گروه به یک ویروس کشته در حالی که از مراقبت پزشکی نیز ممانعت شود. (Marcus, 2003: 245)

علی‌رغم این دیوان بین‌المللی کیفری رواندا به این پی برد که ممکن است در برخی از موارد مرتکب جنایت مزبور، به تنهایی موجب کشته شدن تعداد کمی از مردم یا حتی کشته شدن صرفاً یک نفر شود و در اینجا همچنان به‌عنوان تحمیل عمدی شرایط ناگوار حیاتی به حساب آید. در این حالت تنها نکته تعیین‌کننده این است که آیا این مرگ، یک بخش از یک کشتار گسترده می‌باشد یا ارتباطی با کشتار گسترده ندارد و یک جنایتی جداگانه است. یعنی بین این دو حالت تمایز قائل می‌شویم و در حالت اول آن را جنایت نابودسازی تلقی می‌کنیم. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی در بدو امر به‌طور عمده این تفسیر را تأیید کرد (Prosecutor, 1999: 147). اما در پرونده کریستیچ دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی ابراز داشت که این رفتار باید کمیتاً موجب مرگ بخش قابل توجهی از جمعیت مورد نظر شود تا بتوان آن را

۱-۳- تمایز جنایت نابودسازی و جنایت نسل‌زدایی

جنایت نسل‌زدایی یا ژنوساید به‌عنوان یک جرم مجزا از جنایت علیه بشریت مطرح است. به‌موجب کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرم ژنوساید که در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل پذیرفته شد، این جنایت در عرصه بین‌الملل به شکل مستقل جرم‌انگاری گردید. ژنوساید حتی می‌تواند در زمان صلح نیز یک جرم بین‌المللی تلقی شود. (شبت، ۱۳۸۴: ۱۹) اما جنایت نابودسازی یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت است که جرم‌انگاری آن باز می‌گردد به ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری. جنایت نابودسازی از این‌رو، حائز جنبه مضیق‌تری نسبت به جنایت نسل‌کشی می‌باشد؛ چراکه این جنایت بر خلاف نسل‌زدایی، صرفاً در جریان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی امکان تحقق دارد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اعلام اینکه ارتکاب یکی از مصادیق چندگانه جنایت نسل‌زدایی در زمان صلح نیز جنایت بین‌المللی تلقی می‌شود، در حقیقت گامی جلوتر برداشته است و از این‌رو، جنایت ژنوساید شدیدتر از جنایت نابودسازی محسوب می‌شود و دیوان بین‌المللی کیفری رواندا از آن به‌عنوان جنایت جنایات یاد کرده است. (عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۰)

یکی دیگر از نکاتی که به برای بیان تمایز جنایت نسل‌زدایی و جنایت نابودسازی می‌توان بر شمرد، وجود قصد خاص در نسل‌زدایی است که در نابودسازی چنین شرطی موجود نیست. در این‌جا آن‌چه ژنوساید را از جنایت نابودسازی متمایز می‌کند این است که ژنوساید خواه به‌صورت کشتن یا به‌صورت دیگری از چهار اقدام تعریف شده در ماده ۶ انجام گیرد، باید با قصد خاص ارتکاب از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه مذهبی، نژادی، قومی، ملی یا مشابه آن همراه باشد. اما در نابودسازی، قصد مرتکب صرفاً انهدام و از بین بردن است. نکته دیگر که در تعریف ژنوساید باید مد نظر داشت این است که ژنوساید متضمن هیچ ضرورت خاصی نیست که الزام کند که اقدامات به‌عنوان بخشی از یک حمله سازماندهی شده یا گسترده و یا به‌عنوان بخشی از یک طرح کلی یا سازمان یافته برای از بین بردن گروه ارتکاب یافته باشند. البته در این‌جا «بخشی از یک گروه» به لحاظ کمی تعداد قابل

توجهی را شامل می‌شود و نمی‌توان تعداد اندکی از اعضای گروه را ژنوساید عنوان کرد. نکته دیگر این که در مواردی که قصد خاص مرتکب ژنوساید ناظر به از بین بردن احراز نشود، تعقیب می‌تواند به دلیل یکی از مصادیق جنایات علیه بشریت انجام گیرد. (شبت، ۱۳۸۴: ۱۹)

۲-۲- ارکان جنایت نابودسازی

همان‌طور که می‌دانیم هر فعل یا ترک فعل برای آن‌که ماهیتاً جرم تلقی شود بایستی دارای عناصر یا ارکانی باشد. ارکان عمومی جرم به سه دسته رکن قانونی، رکن مادی و رکن معنوی یا روانی تقسیم می‌شود. در ادامه به توضیح مبسوط ارکان سه‌گانه جنایت نابودسازی می‌پردازیم.

۲-۱- رکن قانونی جنایت نابودسازی

بر اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات که از اصول کلی حقوق کیفری است، تنها فعلی را می‌توان قابل مجازات دانست که قانون با تعیین مجازات برای آن، آن را جرم شناخته باشد؛ و نیز هیچ شخصی را نمی‌توان به موجب قانونی که بعد از ارتکاب فعل تصویب شده، مجازات کرد. اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق کیفری بین‌المللی نیز مورد پذیرش واقع شده است. یعنی در کنوانسیون‌ها و معاهده‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. تفاوت حقوق کیفری داخلی کشورها با حقوق کیفری بین‌الملل در این زمینه این است که در حقوق داخلی یک مرجع قانونی برای تعریف جرم و مجازات وجود دارد، اما در حقوق بین‌الملل چنین نیست و چنین قانون‌گذاری نداریم. در اثر گذشت زمان، به مرور با تحول در حقوق بین‌المللی کیفری و قوام حقوق بین‌الملل کیفری عرفی با توجه به اصول مسلم حقوقی در حقوق بین‌الملل، نابودسازی به‌عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت قابل مجازات و به تبع آن جرم‌انگاری گردید و در بند دوم ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری به‌عنوان یکی از عواملی که ارتکاب آن، جرم علیه بشریت است رسمیت شناخته شد.

۲-۲- رکن مادی جنایت نابودسازی

۳- جنایت نابودسازی در رویه محاکم بین‌المللی

در این قسمت به بررسی رویه محاکم بین‌المللی، شامل دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، دیوان بین‌المللی کیفری رواندا و نیز دادگاه کیفری بین‌المللی در خصوص جنایت نابودسازی می‌پردازیم.

۳-۱- دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق

جنایت علیه بشریت در ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۳ میلادی مورد توجه و تقنین و نیز تعریف قرار گرفته است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸: ۱۰۲) بند ب ماده ۵ اساسنامه دادگاه یاد شده به جنایت نابودسازی می‌پردازد. دادگاه کیفری بین‌المللی در دعوای بر سر تأثیر کمیّت افرادی که از بین رفته‌اند، این تفسیر را پذیرفت که اگر مرتکب جنایت نابودسازی، سبب کشته شدن تعداد کمی از مردم یا حتی کشته شدن صرفاً یک نفر شود و این در اثر تحمیل شرایط ناگوار حیاتی به حساب آید و جزئی از کشتار گسترده باشد؛ جنایت نابودسازی محقق شده است. (Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana, 1999: 147) اما علی‌رغم این تفسیر در رویه عملی شاهد رأیی خلاف این هستیم. در پرونده کریستیچ دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی نظر بر این داد که مرگ عده‌ای قلیل از لحاظ عددی نمی‌تواند جواز تلقی کردن جنایت نابودسازی باشد و این رفتار باید کمیّتاً موجب مرگ بخش قابل توجهی از جمعیت مورد نظر شود تا بتوان آن را جنایت نابودسازی تلقی کرد. (Prosecutor v. Krstic, 2001: 490) دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی از یک طرف شروط مورد نیاز حقوق عرفی جنایت نابودسازی را سخت‌تر کرده است و از سوی دیگر بر این اعتقاد است که باید خود مرتکب را به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم، مسؤول کشتن شمار زیادی از مردم دانست.

۳-۲- دیوان بین‌المللی کیفری رواندا

جنایت علیه بشریت در ماده ۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا در سال ۱۹۹۴م تعریف شده است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸: ۱۰۲) بند ب ماده ۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا به جنایت نابودسازی اختصاص یافته

به موجب شق ب بند دوم ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، منظور از نابودسازی در اساسنامه این دادگاه شامل تحمیل عامدانه شرایطی بر حیات افراد است که سبب از بین رفتن بخشی از یک جمعیت شود. این شرایط می‌تواند محروم کردن افراد بیمار از دسترسی به دارو باشد، در حالی که عدم دسترسی آن‌ها به دارو سبب مرگ آن‌ها به‌عنوان یک جمعیت یا بخشی از یک جمعیت شود. و یا محروم کردن افراد یک جمعیت از دسترسی به غذا. (Prosecutor v. Vasiljevic, 2002: 227) منظور از نابودسازی در این‌جا نابودی فیزیکی است. این انهدام می‌تواند از طریق فعل باشد و نیز می‌تواند از طریق ترک فعل باشد. با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی نمی‌توان نابود کردن غیر فیزیکی و انهدام ارزش‌های جمعیت را مصداق آن دانست. هم‌چنین از آن‌چه بالا گفته شد برداشت می‌شود که برای تحقق این جنایت از بین رفتن و انهدام کامل جمعیت الزامی ندارد، بلکه اگر از بین بردن اندکی از اعضای جمعیت هم جزئی از یک حمله گسترده باشد، آن انهدام هم می‌تواند مشمول جنایت نابودسازی تلقی شود.

۳-۲- رکن معنوی جنایت نابودسازی

برخلاف جنایت نسل‌زدایی که در آن عنصر معنوی جنایت برجسته است، در جنایت نابودسازی چنین تأکیدی در مورد این عنصر وجود ندارد؛ و قصد خاص به آن میزان، در تحقق جنایت مؤثر نیست. در جنایت نسل‌زدایی مرتکب جنایت، قربانی را نه به‌عنوان یک شخص، بلکه به‌عنوان عضوی از یک گروه مذهبی، ملی، نژادی و یا قومی هدف قرار می‌دهد. در واقع هدف مرتکب از آن جنایت سوء قصد و زدن یکی از گروه‌های مزبور است. یعنی برای محکوم کردن یک نفر به جنایت نسل‌زدایی، ابتدا باید اثبات شود که وی قصد خاص که همان ارتباط مستقیم ذهنی بین نتیجه مادی فعل مرتکب و حالت روانی او است برای نابود کردن حداقل جزئی از یک گروه ملی، قومی، نژادی و مذهبی وجود داشته باشد. (پوربافرانی، ۱۳۸۸: ۲۶۸) اما در مورد جنایت نابودسازی چنین نیست و به صرف اینکه حمله گسترده با نیت انهدام جمعیتی یا بخشی از آن صورت گیرد؛ جنایت نابودسازی مصداق پیدا می‌کند.

(Prosecutor v. Ntakirutimana, 2003: 813) برخی با عنایت بر اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، نابودی را شامل گروه‌های تروریستی که به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان یافته، دست به نابود کردن اشخاص به قصد اشاعه ترور و وحشت می‌زنند، دانسته‌اند. بر همین مبنا خانم مری رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را جنایت علیه بشریت تلقی می‌کند. (Casesse, 2003: 35)

۳-۴- نمونه‌ای از نابودسازی در دوران معاصر

سال ۱۹۱۴ میلادی اولین جنگ جهانی با شرکت کشورهای متعددی آغاز شد و در طول چهار سال بانی جنایت‌های متعدد و فراوان در جهان گشتند. ایران نیز در طی این جنگ بی‌نصیب نمانده و عرصه نبرد دولت‌های متخاصم گشته و جنایت‌هایی در آن رخ داد. اولین نتیجه این جنگ در ایران بروز قحطی سال ۱۲۹۶ شمسی بود که کل ایران را در بر گرفت و مردم ایران گروه گروه در اثر گرسنگی از بین رفتند و در پایان آن قریب به نیمی از جمعیت این کشور قلع‌و‌قمع شده و جان خود را از دست دادند. قحطی سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ شمسی که در اثر جنگ جهانی نخست روی داد، از پر تلفات‌ترین قحطی‌های تاریخ محسوب شده و موجب نابودی میلیون‌ها ایرانی گردید. در بررسی ریشه‌های پدید آمدن این جنایت حضور پرشمار نیروهای خارجی در ایران قابل توجه است. حضور سه لشکر انبوه عثمانی، روسیه و انگلستان در ایران نیازمند تأمین آذوقه مناسب و فراوان برای خود و احشام شان بود و اسنادی وجود دارد مبنی بر جمع آوری گندم مازاد بر نیاز برای ذخیره. (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۴) علاوه بر این شواهدی وجود دارد که حاکی از آن است که انگلیسی‌ها گندم ایران را که ساکنین آن از شدت گرسنگی در حال مرگ بودند برای تغذیه نیروهایشان به باکو منتقل کرده‌اند. (مجد، ۱۳۸۷: ۱۴۲) و این اقدام با علم بر کشته شدن جمع قابل توجهی از مردم ایران در اثر محرومیت غذا و گرسنگی صورت گرفته است. همچنین اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد نیروهای درگیر در جنگ گاهی از سیاست زمین سوخته نیز استفاده کرده‌اند و قبل از خروج از یک شهر تمام منابع و آذوقه‌های آن که احساس می‌کردند به دست دشمن می‌رسد را نابود

و آن را در گروه جنایات علیه بشریت قرار داده‌اند. در رویه قضایی دیوان بین‌المللی کیفری روآندا کشتارها باید لزوماً بخشی از یک کشتار وسیع و گسترده باشند تا به‌عنوان جنایت نابودسازی تلقی شوند. (Fischer, et al, 2001: 59) فراهم کردن عواملی که به‌طور غیر مستقیم موجب مرگ می‌شوند (مانند از بین بردن آذوقه و مواد غذایی) در دیوان بین‌المللی کیفری روآندا به‌عنوان تحمیل کردن شرایطی برای حیات توصیف شده است که انهدام بخشی از یک جمعیت محسوب می‌شود. (Prosecutor v. Rutaganda, 2000: 219) دیوان بین‌المللی کیفری روآندا از عواملی که وجود آن‌ها موجب مرگ را فراهم و به شکل غیر مستقیم به مرگ افراد منجر می‌شود یاد می‌کند. مانند زندانی کردن گروه زیادی از مردم به همراه محروم ساختن آن‌ها از ضروریات زندگی (مثل آب و غذا) یا مبتلا کردن آن اعضای آن گروه به یک ویروس کشنده در حالی که از مراقبت پزشکی نیز ممانعت شود. (Marcus, 2003: 245)

۳-۳- دادگاه کیفری بین‌المللی

جنایت علیه بشریت در ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مورد تقنین و تعریف واقع شده است. بند ب ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به جنایت نابودسازی اختصاص یافته و آن را در گروه جنایات علیه بشریت قرار داده است. شق ب بند دوم ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، نابودسازی را شامل تحمیل عامدانه شرایطی بر حیات افراد مانند محرومیت از دسترسی به غذا و دارو می‌داند که انهدام بخشی از یک جمعیت به حساب می‌آید. (Prosecutor v. Vasiljevic, 2002: 227) مطابق این سند تحقق جنایت نابودسازی مستلزم آن است که مرتکب موجب مرگ یک یا چند نفر شود. همچنین مطابق اسناد تشکیل دهنده عناصر جنایات، کشتارهای مزبور لزوماً باید بخشی از یک کشتار وسیع و گسترده باشد. به موجب شق ب بند دوم ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی تحمیل شرایط کشنده در این جنایت باید عامدانه صورت گرفته باشد. به عبارت دیگر مطابق رویه قضایی و اساسنامه، مرتکب برای تحقق جنایت نابودسازی باید اطلاع داشته باشد که فعل او قسمت یا جزئی از یک کشتار گسترده یا وسیع است.

کرده‌اند. (مجد، ۱۳۸۷: ۸) که این را نیز با علم بر نتیجه رفتارشان که همان انهدام ساکنین آن منطقه بوده، مرتکب شده‌اند. این قلع‌و‌قمع تا پایان جنگ جهانی اول در ایران ادامه داشت و در پی آن نیمی از مردم ایران جان خود را از دست دادند. با پایان جنگ جهانی اول و پیروزی متفقین در جنگ و تقسیم متصرفات و غنائم جنگی بین آن‌ها ایران که به شدت از این حیث در جنگ مورد مصادیق متعدد جنایت علیه بشریت قرار گرفته بود، سندی چهارده صفحه‌ای را به‌عنوان «دعای ایران خطاب به کنفرانس مقدماتی صلح در پاریس» ارائه نمود تا شاید از این طریق بتواند به بخشی از خسارات خود دست یابد؛ اما با وجود آن که در این سند به بسیاری از فجایع رخ داده در ایران اشاره نشده بود، اما باز هم ایران نتوانست در عهدنامه صلح ورسای حتی به‌اندکی از حق و حقوق ضایع شده خود دست یابد. (مجد، ۱۳۸۷: ۲۱۲) لذا این جنایات بی‌پاسخ مانده و مرتکبین این جنایات محاکمه و مجازات نشدند.

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ به کرات حقوق بشر دست‌خوش تهاجمات ظالمانه گشته و مردمانی تحت جنایت قرار گرفته‌اند که شدیدترین این فجایع، از سوی جنایتکارانی صورت گرفته که امکان تعقیب آن‌ها در دادگاه‌های داخلی محل ارتکاب، به دلیل حمایت‌های دولت‌ها از آن‌ها، میسر نبوده است. اصل صلاحیت جهانی نیز در این زمینه کارساز نبوده و نتوانسته تغییری در این وضعیت ایجاد کند، چراکه ملاحظات سیاسی، فقدان تخصص مورد نیاز و دانش لازم، نبود قانون‌گذاری مناسب و غیره بر سر راه اعمال این صلاحیت جهانی مانع ایجاد کرده است. تحقق عدالت کیفری به‌عنوان یک سازوکار مناسب در جهت کمک به برقراری صلح و تضمین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در شرایطی امکان‌پذیر است که یک نظام کیفری بین‌الملل قدرتمند و مستقل وجود داشته باشد. پیش شرط رسیدن به چنین نظام مستقل و قدرتمندی، توجه و همکاری و حمایت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. با وجود چنین نظامی می‌توان امیدوار بود که کم‌تر از پیش مرتکبین جنایات بین‌المللی بی‌کیفر بمانند و قریب‌الوقوع بودن کیفر شدن، از میزان

ارتکاب جنایت بکاهد. در همین راستا در اسناد متعدد بین‌المللی به این جنایات پرداخته و برای آنان مجازات تعیین شد. از جمله اسناد مزبور اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی است. این دادگاه نهادی دائمی است که قدرت اعمال صلاحیت نسبت به اشخاص مرتکب مهم‌ترین جرایمی که موجب نگرانی جامعه بین‌الملل است را دارد. به موجب ماده ۵ اساسنامه، چهار جنایت در صلاحیت رسیدگی دادگاه قرار داده شده است. یکی از این جنایات، جنایت علیه بشریت است که در ماده ۷ اساسنامه بدان اشاره گردیده است. یکی از اعمالی که به موجب ماده ۷ مصداق جنایت علیه بشریت است، جنایت نابودسازی می‌باشد. نابودسازی شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو به‌منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت. آنچه در مورد جنایت نابودسازی مورد توجه است اینکه برخلاف جنایت نسل‌زدایی که جنایت مورد بحث از آن گرفته شده، ارتکاب آن مستلزم نیت خاص مبنی بر از بین بردن یکی از گروه‌های ملی، نژادی، قومی و مذهبی نیست و صرف نیت انهدام بخشی از یک جمعیت، برای تحقق آن کفایت می‌کند. از این‌رو اثبات آن در مقایسه با جنایت نسل‌زدایی که نیازمند اثبات قصد خاص مرتکب است، ساده‌تر می‌باشد. اما برخلاف نسل‌زدایی که با جمع شرایط ولو قتل یک نفر محقق می‌شود؛ تحقق نابودسازی منوط به نابودی عده‌ای قابل توجه از افراد یک جمعیت است و کمیت نیز ملاک قرار گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت انفرادی توسط نویسنده انجام گرفته است.

- Fischer, H; Kress, C & Loder, S.R (2001). *International and National Prosecution of Crimes under International Law-Current Developments*. Berlin: Verlag Arno Spitz.
- Marcus, D (2003). "Famine Crimes in International Law". *American Journal of International Law*, 97(2): 231-252.
- May, L (2005). *Crimes against Humanity: A Normative Account*. UK: Cambridge University Press.
- Roy, S & Lee, K (1999). *The International Criminal Court, the Making of the Rome Statute*. The Hague: Kluwer Law International.
- Salgado, M (2003). *Leiden Journal of International Law*, 16: 321-370.
- Leigh, W (2014). "Piracy in the South East Asian Archipelago". *Journal of Oriental Studies*, 14: 23-33.
- Tuerk, H (2018). "Combating Terrorism at Sea". *U. Miami INTL and COMP.L.REV*, 15: 46-70.

ج. پرونده‌های کیفری

- Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana (1999). ICTR (Trial Chamber), judgment of 21 May 1999.
- Prosecutor v. Krstic (2001). ICTY (Trial Chamber), judgment of 2 August 2001.
- Prosecutor v. Musema (2000). ICTR (Trial Chamber), judgment of 27 January 2000.
- Prosecutor v. Ntakirutimana (2003). ICTR (Trial Chamber), judgment of 21 February 2003.
- Prosecutor v. Rutaganda (1999). ICTR (Trial Chamber), judgment of 6 December 1999.
- Prosecutor v. Vasiljevic (2002). ICTY (Trial Chamber), judgment of 29 November 2002.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- پوربافرانی، حسن (۱۳۸۸). *حقوق جزای بین‌الملل*. تهران: انتشارات جنگل.
- شبت، ویلیام (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی*. ترجمه سیدباقر میر عباسی و حمید الهوئی نظری، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۰). *اسناد دیوان کیفری بین‌المللی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- عزیزی، ستار (۱۳۸۶). «عناصر جنایت ژنوسید در رأی ۲۶ فوریه ۲۰۰۷ دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه دادگاه‌های دیوان بین‌المللی کیفری». *مجله‌ی حقوقی بین‌المللی*، ۳۶: ۹-۳۴.

- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۱). «سال دمپختک؛ قحطی سال ۱۲۹۶ شمسی». *نشریه گنجینه اسناد*، ۵ و ۶: ۴۰-۸۵.
- مجد، محمد قلی (۱۳۸۷). *قحطی بزرگ ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ شمسی*. ترجمه محمد کریمی، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۸). *دادگاه کیفری بین‌المللی*. تهران: نشر دادگستر.

ب. منابع انگلیسی

- Casesse, A (2003). *International Criminal Law*. Oxford: Oxford University Press.
- Faustin, N (2007). *Amnesty for Crimes against Humanity under International Law*. Netherlands: N.P.